خبر

رشد ۸۰ درصدی تسهیلات فرزندآوری؛

بانک ملی ایران پیشرو در حمایت از خانواده‌ها

پرداخت وام فرزندآوری در بانک ملی ایران در هفت ماه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۸۰ درصد رشد داشته است.

به گزارش روابط عمومی بانک ملی ایران، براساس سیاست‌ها و مواد قانونی تکلیفی، تسهیلات فرزندآوری در بانک ملی ایران بی‌وقفه پرداخت می‌شود و برهمین اساس شعب این بانک در سراسر کشور از ابتدای فروردین تا پایان مهرماه سال جاری در راستای اجرای «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در مجموع به ۵۴ هزارو ۱۹ متقاضی و خانواده‌های واجد شرایط مبلغی به ارزش ۴۹ هزارو ۷۹۳ میلیارد ریال وام قرض‌الحسنه فرزندآوری پرداخت کرده است.

بر این اساس، طی هفت ماه سال گذشته بانک ملی ایران نیز با احتساب تعداد فقره تسهیلات اعطایی در مجموع مبلغی به ارزش ۲۷ هزارو ۶۵۱ میلیارد ریال به متقاضیان و خانواده‌های واجد شرایط پرداخت کرده است.

بانک ملی ایران در همین مدت با تسهیل و تسریع در پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه فرزندآوری توانسته رشد قابل توجه و رکورد جدیدی را ثبت کند. این اقدام نشان‌دهنده عزم جدی بانک ملی ایران در عمل به تعهدات خود در پرداخت این تسهیلات در سال ۱۴۰۴ است.

آمارها نشان می‌دهد بانک ملی ایران با تدابیر و تمهیدات مناسب به‌تنهایی بخش قابل توجهی از تقاضاهای وام فرزندآوری و ازدواج را در کشور پرداخت کرده است و توانسته طی هفت ماه امسال با این اقدام مهم و اساسی در پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه فرزندآوری در شبکه بانکی جزء سه بانک برتر کشور باشد.

آمارهای تکان‌دهنده از مصرف آب در ایران

رئیس فدراسیون صنعت آب ایران با هشدار نسبت به وضعیت بحرانی منابع آبی کشور گفت: ایران سالانه بیش از دو برابر ظرفیت واقعی خود آب مصرف می‌کند و برای عبور از بحران، ناچاریم مصرف بخش کشاورزی را دست‌کم به نصف کاهش دهیم. تهران عملا منبع آب مستقل ندارد و سرانه آب قابل دسترس در پایتخت به فقط ۳۳۵ مترمکعب رسیده است. رضا حاجی‌کریم، رئیس فدراسیون صنعت آب ایران، در گفت‌وگو با ایسنا، ضمن اشاره به برداشت‌های نادرست از آمار مصرف آب در کشور، تأکید کرد: تکیه صرف بر عدد ۸۰ تا ۹۰درصدی مصرف آب در بخش کشاورزی، بدون توجه به تفاوت‌های اقلیمی و منطقه‌ای، باعث شکل‌گیری یک خلط مبحث جدی در فهم بحران آب ایران شده است.

او با اشاره به موضوع یادشده، خاطرنشان کرد: این آمار (۸۰ تا ۹۰ درصد مصرف آب در بخش کشاورزی) در سال‌های نرمال از نظر بارش صحت دارد، اما دو نکته مهم باید مورد توجه قرار گیرد. اول اینکه در سال‌هایی مثل امسال که خشک‌سالی به‌شدت افزایش پیدا کرده، مصرف آب در بخش کشاورزی نیز به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. هم‌اکنون در بسیاری از استان‌ها، دولت برای کشت اول و حتی کشت دوم محدودیت‌های شدیدی اعمال کرده و همین امر باعث افت محسوس مصرف آب در این بخش می‌شود.

سرانه آب قابل دسترس تنها ۳۳۵ مترمکعب به ازای هر نفر است، نکته بدتر اینکه تهران اصلا آب ندارد

حاجی‌کریم افزود: نکته دوم نیز تفاوت درخور توجه الگوی مصرف در کلان‌شهرهاست. برای نمونه، در استان تهران حدود ۵۵ درصد از کل مصرف آب مربوط به بخش شرب است. بنابراین آن الگوی کشوری که می‌گوید عمده مصرف در کشاورزی است، در کلان‌شهرها مصداق ندارد و باید به این نکات توجه کرد. او در پاسخ به این پرسش که از منظر سرانه، وضعیت دسترسی به آب در مناطق مختلف ایران چگونه است؟ اظهار کرد: تراکم جمعیت نقش تعیین‌کننده‌ای در سرانه دسترسی به آب شرب دارد. براساس شاخص‌های جهانی، سرانه زیر هزارو ۷۰۰ مترمکعب در سال نشانگر تنش آبی است. متوسط کشور ما اکنون حدود هزارو ۳۰۰ مترمکعب است، اما این عدد میانگین گمراه‌کننده‌ای است. اگر استان‌های شمالی و خوزستان را کنار بگذاریم، در مرکز کشور -جایی که حدود ۶۵ درصد جمعیت ایران زندگی می‌کنند- سرانه دسترسی به آب تجدیدپذیر زیر ۵۰۰ مترمکعب است. حاجی‌کریم تصریح کرد: این وضعیت شامل تمام کلان‌شهرهای مهم ایران مانند تهران، اصفهان، شیراز، کرج و قزوین می‌شود. در تهران اوضاع حتی وخیم‌تر است؛ سرانه آب قابل دسترس تنها ۳۳۵ مترمکعب به ازای هر نفر است. نکته بدتر اینکه تهران اصلا آب ندارد و به همین دلیل باید صرفه‌جویی درخور توجهی انجام شود.

او با بیان اینکه تهران اساسا منبع آب مستقل ندارد، خاطرنشان کرد: تقریبا تمام آبی که امروز در تهران مصرف می‌شود، از طریق سدهای طالقان، لار، ماملو و کرج تأمین می‌شود، درحالی‌که این منابع متعلق به حوضه آبریز تهران نیستند. به عبارت دیگر، آب تهران حقابه‌ای غصبی است که از مناطق دیگر برای تأمین نیازهای پایتخت منتقل می‌شود و به اجبار این اتفاق صورت می‌گیرد. همین واقعیت نشان می‌دهد چرا شهروند تهرانی باید در مصرف آب مسئولانه‌تر، سخت‌گیرانه‌تر و با وسواس بیشتری رفتار کند.

نوبت اول
شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران
تجدید آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۱۴۰۴/۰۰۵/اف
ساخت، تامین و ارائه خدمات پشتیبانی تجهیزات تکمیل چاه در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه فوق الذکر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی و مناقصه صرفا از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۳۶۳۱۰۰۰۱۷۳ انجام خواهد شد وکلیه آگهی‌ها و دعوت نامه‌ها ، تغییرات، اصلاحات و ... صرفا از طریق سامانه ستاد به اطلاع مناقصه گران رسانده می شود. لازم است پیشنهاد دهندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند و بصورت منظم جهت دریافت دعوت نامه‌ها ، تغییرات، اصلاحات به سامانه ستاد مراجعه نمایند.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار: تلفن: ۲۳۹۴۲۵۵۵-۰۲۱
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت:
مرکز تماس: ۱۴۵۶-۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
شناسه آگهی ۲۰۴۵۹۶۳ روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

عکس: مرضیه موسوی/ ایرنا

با وجود رشد آموزش، تحصیلات و مهارت‌های زنان و تغییر برخی باورهای فرهنگی زنان همچنان پشت درهای بازار کار مانده‌اند

اقتصاد مردسالار

کیمیا نعمت‌اله

با وجود آنکه زنان بیش از ۶۰ درصد دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کشور را تشکیل می‌دهند اما نرخ مشارکت اقتصادی آنان فقط حدود ۱۴ درصد است. در حالی که این شخص برای مردان به ۶۸.۴ درصد رسید و به معنی این است که ۸۶ درصد زنان نه به عنوان شاغل و نه به عنوان جویای کار جایی در فضای اقتصادی بازار کار ندارند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران ۶۵ درصد از زنان شاغل در بخش خدمات و ۲۲.۴ درصد در بخش صنعت و ۴.۳ درصد در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند و این تفاوت نشان می‌دهد که بخش خدمات با وجود کم‌درآمدی و بی‌ثباتی هنوز هم پناهگاه آخر زنان در جامعه است. اعداد معنادار ساختار بازار کار ایران و حضور ناچیز زنان در اقتصاد کشور در شرایطی است که انقلاب خاموشی در زمینه آموزش و رشد تحصیلات دانشگاهی زنان در چند دهه اخیر رخ داده است و زنان توانسته‌اند بسیاری از باورهای اجتماعی و فرهنگی را به نفع خود و کاهش تبعیض جنسیتی تغییر دهند اما دیوارهای فولادین اقتصاد کشور هنوز مقابل زنان نشکسته است و موانع جدی برای حضور زنان در بازار کار کشور وجود دارد.

زنان تحصیل‌کرده مطرود بازار کار

در همین زمینه زهرا کریمی، اقتصاددان و کارشناس بازار کار در گفت‌وگو با «شرق» توضیح داد: مسله اصلی تحرک پایین در بازار کار است. وقتی بنگاه‌ها گسترش پیدا نمی‌کنند یا بنگاه‌های جدید کمتر تشکیل می‌شوند، طبیعی است که تقاضا برای نیروی کار پایین می‌آید و در چنین شرایطی چه برای زنان و چه مردان فرصت‌های شغلی مولد کاهش پیدا می‌کند اما وضعیت شغلی زنان در شرایط بحرانی آسیب‌پذیرتر می‌شود. برای مثال با وجود کرونا در سال‌های گذشته و جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل و قطعی‌های مکرر برق وضعیت بازار کار بدتر شده و پیش‌بینی می‌شود در زمستان با بحران ناترازی دشوارتر شود و وقتی سرمایه‌گذاری در فضای بی‌ثبات اقتصادی منطقی نباشد، در نتیجه فرصت‌های اشتغال مولد یعنی اشتغالی که به رشد تولید ملی کمک کند، به‌شدت محدود می‌شود. به گفته او: «هرچند وضعیت کلی اشتغال برای همه اقشار بسیار دشوار است اما در ایران این مسله برای زنان شدیدتر بروز پیدا می‌کند و زنان به صورت سنتی از بسیاری از مشاغل کنار گذاشته می‌شوند، برای مثال در ادارات دولتی هنگام جذب کارشناسان اولویت با مردان است درحالی که هیچ تفاوتی بین عملکرد کارشناس زن و مرد وجود ندارد».

این اقتصاددان تأکید می‌کند: «ساختار سنتی جامعه و نگاه کلیشه‌ای نسبت به نقش زنان در کار یکی از ریشه‌های اصلی این نابرابری است که باعث شده زنان بیشتر در بخش‌هایی مثل آموزش، بهداشت و خدمات جذب شوند و امکان ورودشان به سایر بخش‌های اقتصادی کمتر شود و بسیاری از کارفرماها در مورد استخدام زنان متأهل یا دارای فرزند محتاط هستند و تصور می‌کنند مسئولیت خانوادگی باعث غیبت‌های مکرر می‌شود».

کریمی با اشاره به نقش تحصیلات در این نابرابری توضیح داد: «تقاضا برای نیروی کار دارای تحصیلات دانشگاهی در ایران محدود است در حالی که بیشتر زنان جویای کار تحصیل‌کرده هستند اما در بازار کار برای آنها تقاضای واقعی وجود ندارد و به همین دلیل زنان تحصیل‌کرده ما با نرخ بیکاری بالاتر و فرصت‌های شغلی کمتری روبه‌رو هستند و در نتیجه حتی اگر شغلی پیدا کنند، مجبور هستند با دستمزد پایین‌تر و شرایط کاری سخت‌تر نسبت به مردان بپذیرند. در نهایت اگر سیاست‌های اقتصادی به‌گونه‌ای طراحی نشوند که بنگاه‌ها بتوانند رشد کنند و فضای سرمایه‌گذاری بهبود یابد، فرصت‌های شغلی مولد افزایش نخواهد یافت و تا زمانی که این وضعیت ادامه دارد زنان همچنان گروهی خواهند بود که از چرخه اشتغال حذف می‌شوند».

یک‌چهارم زنان کشور تحصیلات بالاتر از دیپلم دارند

حالا شکاف میان حضور گسترده زنان در نظام آموزش عالی و غیبت آنان در بازار کار در شرایطی است که در سال‌های اخیر، حضور زنان در دانشگاه‌ها و عرصه‌های اجتماعی ایران به طور چشمگیری افزایش یافته است اما با این حال رشد تحصیلی و فرهنگی زنان و خانواده‌ها با آمارهای بازار کار در تعارض است.

بر اساس داده‌های واحد امور زنان و وزارت کشور، بیش از ۶۲ درصد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند و بیش از یک‌چهارم زنان کشور دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم هستند اما این آمارها در هیچ‌کدام از دوره‌های زمانی با واقعیت بازار کار همخوانی نداشته و طبق گزارش مرکز آمار ایران نرخ مشارکت اقتصادی زنان فقط حدود ۱۴ درصد به ثبت رسیده، در حالی که این رقم برای مردان حدود پنج برابر بیشتر است و از میان ۱۴ میلیون نفر شاغل فقط دو میلیون‌و ۲۰۰ هزار نفر را زنان تشکیل می‌دهند و این نشان از وضعیت نگران‌کننده مشارکت زنان در اقتصاد کشور و این شکاف آماری در تضاد آشکار با تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران است. آن هم در حالی که افزایش تحصیلات و رشد آگاهی عمومی و حضور زنان در اجتماع انتظار می‌رفت به رشد اشتغال زنان منجر شود. از سوی دیگر عواملی از جمله بالارفتن آمارهای طلاق و فشارهای اقتصادی ناشی از تورم از جمله دلایلی هست که استقلال مالی زنان را نشانه گرفته است.

تسلیم زنان در بازار کار

در همین زمینه مریم زارعیان، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه به «شرق» توضیح داد: ماجرای مشارکت پایین زنان در بازار کار ایران، یک تراژدی چندپرده‌ای است که به عبارت دیگر این یک شکاف ساده نیست، بلکه یک گسل ساختاری است. خانواده‌های ایرانی در دو دهه گذشته با یک انقلاب خاموش سرمایه‌گذاری عظیمی روی تحصیلات دختران خود انجام دادند که از آن به عنوان سرمایه فرهنگی یاد می‌شود. اما زمانی که زنان می‌خواهند دارایی خود را به سرمایه اقتصادی تبدیل کنند با یک دیوار بلند مواجه می‌شوند که شامل رکود مزمن و انواع تحریم‌های اقتصادی است که به‌مثابه کشتی در حال غرق است که صندلی‌های نجات آن محدود است. در این رقابت مرگ‌بار برای صندلی‌ها، کارفرماها که معمولا مردان هستند در بستری از باورهای سنتی نفس می‌کشند و به دلایل متعددی مردان را به عنوان نیروی کار ترجیح می‌دهند با این تصور که مردان نان‌آور اصلی خانواده‌ها به شمار می‌آیند و زنان به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی مثل ازدواج و فرزندآوری به تعهد خود نمی‌توانند پایبند باشند و اینجا اقتصاد و فرهنگ دست به دست هم می‌دهند تا زنان را از میدان به در کنند و بسیاری از زنان با یک محاسبه عقلانی ساده به این نتیجه می‌رسند که هزینه‌های حضور در بازار کار از جمله هزینه‌های اقتصادی و روانی و اجتماعی از منافع آن بیشتر است و ناچار از کارکردن کناره‌گیری می‌کنند.

او ادامه می‌دهد: این یک انتخاب واقعی برای زنان نیست، بلکه یک تسلیم در برابر ساختارهای معیوب است. حالا به بحران‌های اخیر مثل کرونا و جنگ ۱۲روزه که می‌رسیم، می‌بینیم در دوران بحران، یک قاعده جامعه‌شناختی کلاسیک خود را نشان می‌دهد به نام «گفتمان‌های محافظه‌کارانه» که در این زمان تقویت می‌شوند به این معنی که اساسا در شرایط بحرانی و فضای ملتهب، نقش سنتی زن به عنوان نگهدارنده کانون خانواده تأکید می‌شود تا جامعه از تلاطم خارج شود و در همین حین عدالت جنسیتی و توانمندسازی زنان که نیازمند سرمایه‌گذاری بلندمدت و عزم راسخ هست به حاشیه رانده می‌شوند که حقوق زنان اولین قربانی این تغییر اولویت‌هاست. از سوی دیگر بنگاه‌های اقتصادی در شرایط نبود ثبات و ناپایداری به سوی تعدیل نیرو می‌روند و باز هم زنان قربانیان تعدیل‌های ناگزیر در بازار کار هستند. در نتیجه این فرایند، بسیاری از زنان تحصیل‌کرده و دارای انگیزه به ناچار به بازار کار غیررسمی روی می‌آورند. به گفته این جامعه‌شناس: «بازاری که در آن هیچ امنیت شغلی و دستمزد عادلانه و بیمه یا آینده‌ای وجود ندارد که در نهایت سرخوردگی اجتماعی را ایجاد می‌کند که در این شرایط هدررفت سرمایه انسانی شکل گرفته است». او با تأکید بر اینکه مسلما ماندگاری زنان در بازار کار ایران تحت تأثیر ترکیب سمی‌ای از عوامل اقتصادی مثل رکود و تورم و عوامل سیاسی و فرهنگی قرار دارد، بیان کرد: جامعه‌ای که نتواند از سرمایه انسانی نیمی از جمعیت خود بهره‌برداری کند، مانند پرنده‌ای است که با یک بال می‌خواهد پرواز کند که نشان می‌دهد نه‌تنها نیمی از توان و سرمایه انسانی امروز خود را نادیده گرفته‌ایم، بلکه با تضعیف موقعیت زنان، آینده نیروی کار و آینده اقتصاد کشور را تیره‌تر می‌کند».

نقش قوانین حضور زنان در بازار کار

ساختار بازار کار کشور هنوز بر پایه این پیش‌فرض بنا شده که مرد نان‌آور همیشگی خانواده است و نقش زن در این خانواده بیشتر یک نقش فرعی است و همین نگاه سبب شده سهمیه‌های استخدامی و تسهیلات بانکی و حتی سیاست‌های رفاهی به گونه‌ای اجرا شوند که اولویت تسهیلات را به مردان بدهند و زنان را در حاشیه نگه دارند. در این میان قوانین کار و خانواده نیز عملا از استقلال اقتصادی زنان حمایت نمی‌کنند و هنوز در برخی موارد اشتغال زنان منوط به اجازه همسر است و این بند قانونی زمینه‌ای را برای سوءاستفاده و کنترل اقتصادی زنان به وجود می‌آورد و از سوی دیگر در بازار کار ایران هنوز نگاه مردسالارانه وجود دارد و بسیاری از شرکت‌های خصوصی تمایل دارند مردان را برای پست‌های مدیریتی انتخاب کنند. به همین دلیل نیز مشارکت زنان در نقش‌های پررنگ‌تر اقتصادی کمتر است و در نتیجه به کارهای آزاد و بدون بیمه روی می‌آورند.

در همین زمینه مریم زنده‌دل، حقوق‌دان در گفت‌وگو با «شرق» توضیح داد: «با وجود حضور پررنگ زنان در دانشگاه‌ها و کسب مدرک تحصیلی بالا بسیاری از آنان در بازار کار با شغل مناسب و متناسب با تحصیلات خود مواجه نیستند. در قانون اساسی و قانون کار ایران به طور رسمی تبعیضی میان زن و مرد در انتخاب شغل وجود ندارد و همه افراد جامعه از آزادی انتخاب شغل برخوردار هستند اما با این حال در عمل وضعیت زنان در بازار کار متفاوت است و زنان تحصیل‌کرده غالبا با مدارک فوق‌لیسانس و دکترا در مشاغلی با دستمزد پایین و غیرمتناسب با تخصص خود مشغول کار هستند و این وضعیت حاصل رویه‌های اجرائی و ساختارهای بازار کار است». او ادامه داد: «در بخش دولتی زنان با سختگیری بیشتری در گزینش مواجه هستند و یک‌سری استانداردهای ظاهری را باید رعایت کنند که مردان با آنها مواجه نمی‌شوند و در بخش خصوصی موضوع ازدواج و باروری زنان عامل جدی در محدودشدن فرصت‌های شغلی آنان به شمار می‌آید و باعث قراردادهای کوتاه‌مدت و فسخ آنها می‌شود و پس از ازدواج یا باروری از بازار کار به‌راحتی حذف می‌شوند و حتی حمایت‌های قانونی مانند مرخصی زایمان به دلیل ضعف در اجرا تضمینی برای ادامه اشتغال به وجود نمی‌آورد». به گفته زنده‌دل: «یکی دیگر از چالش‌ها، عدم رعایت تخصص‌گرایی در کارگاه‌هاست. برای مثال طرح طبقه‌بندی مشاغل برای کارگاه‌های بالای ۵۰ نفر اجرا می‌شود و امکان تعیین شغل و مزد متناسب با تحصیلات و تجربه را فراهم می‌کند اما در کارگاه‌های کوچک زنان با مدارک بالاتر غالبا در مشاغل سطح پایین‌تر مشغول می‌شود».

او در ادامه با اشاره به ازدواج زنان و فعالیت در شرکت‌های خصوصی گفت: «ازدواج و بارداری زنان در بخش خصوصی موجب می‌شود کارفرمایان متأهل‌بودن یا احتمال بارداری زن را به عنوان عامل ریسک در نظر بگیرند و تمایل به استخدام آنان نداشته باشند و البته مشکلات حقوقی و فرهنگی هم در این زمینه گریبان‌گیر زنان متأهل می‌شود. چه‌بسا در برخی موارد زنان مجبور هستند اجازه همسر خود را برای ادامه اشتغال دریافت کنند و در مواقع اختلاف، کارفرما یا همسر می‌تواند مانع اشتغال آنان شود». به گفته این حقوق‌دان: «شیوه مدیریت منابع انسانی در بخش خصوصی نیز بر حضور زنان تأثیر منفی دارد و مرخصی زایمان و زمان شیردهی به‌جای اینکه به عنوان حمایت قانونی دیده شود، اغلب به عنوان عاملی که بهره‌وری را کاهش می‌دهد تلقی می‌شود. در مجموع محدودیت حضور زنان در بازار کار ایران ناشی از خلأهای قانونی حمایتی و رویه‌های بخش خصوصی و سخت‌گیری گزینش دولتی و نگرش‌های سنتی جامعه است. اصلاح قوانین حمایتی و بهبود فرهنگ سازمانی می‌تواند نقش مهمی در مشارکت زنان در بازار کار داشته باشد».

بر اساس داده‌های واحد امور زنان و وزارت کشور، بیش از ۶۲ درصد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند و بیش از یک‌چهارم زنان کشور دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم هستند اما این آمارها در هیچ‌کدام از دوره‌های زمانی با واقعیت بازار کار همخوانی نداشته و طبق گزارش مرکز آمار ایران نرخ مشارکت اقتصادی زنان فقط حدود ۱۴ درصد به ثبت رسیده است، در حالی که این رقم برای مردان حدود پنج برابر بیشتر است

نگاه

نمایشگاه نفت ابوظبی فرصتی برای خواب زمستانی در نفت

سعید ساویز
کارشناس نفت

اکنون به زمان برگزاری نمایشگاه نفت ابوظبی یا ادیپک نزدیک می‌شویم که به‌روزترین دانش و تکنولوژی مربوط به صنعت انرژی در آن عرضه می‌شود.

فعالان صنایع نفت و گاز به خاطر می‌آورند که روزگاری شرکت‌های خارجی طراز اول در صنعت ما فعال بودند و بسیاری از شگفتی‌های دنیای صنعت از طریق آنها به ما تزریق می‌شد. دیری نپایید که تحریم‌ها رسید و بعد کاغذپاره انگاشته شد و سپس کمر ما را خم کرد و شرکت‌هایی که حتی در زمان جنگ ایران و عراق از این بازار خارج نمی‌شدند، عطایش را به لقایش بخشیدند و رفتند.

تصور بازار جهانی بر این بود که صنعت نفت و گاز ایران بر اثر خروج دانش روز، بر سر اقتصاد ایران آوار شود اما بسیاری از ایرانیانی که پیش‌تر ردای شرکت‌های بین‌المللی را بر تن داشتند، آستین بالا زدند و با علم آموخته از آن شرکت‌ها گوشه‌ای از کار را گرفتند و توسعه پارس جنوبی را رقم زدند. هر انتقادی که به مدل توسعه وارد شود اما نمی‌توان از تلاش مهندسان و کارگران ایرانی چشم‌پوشی کرد. آن‌چنان که اگر در خاطر جمعی مانده باشد، پس از برجام و بازگشت سهمیه نفت ایران در اوپک تصور و گمانه‌زنی‌های جهانی بر آن بود که بازگشت به سقف تولید قبلی حداقل ۱۰ ماه به درازا می‌کشد ولی در شش ماه ایران به سقف بازگشت. در آن زمان نگارنده در یادداشتی خاطرنشان کرد که همت ایرانی و دانش‌آموخته و رسوب‌کرده در بخش‌های خصوصی فعال یا همان شرکت‌های خدمات‌دهنده میهنی عاملی بود که این داستان را رقم زد، پتانسیلی که در هیچ‌کدام از کشورهای همسایه تولیدکننده نفت وجود ندارد.

اما امروز سال‌هاست که شرکت‌های خارجی از بازار ما خارج شده‌اند، به دلیل فروکش‌کردن فرصت‌های شغلی و تزریق قطره‌چکانی سرمایه به صنایع بالادستی نفت و گاز. پس از توسعه پارس جنوبی و البته خصولتی‌های رانتی که امان بخش خصوصی واقعی را بریده است؛ عملا بسیاری از زبدگان این صنعت؛ از کارگر و استادکار تا مهندس و مدیر جلای وطن کردند یا اگر در ایران ماندند، چهار گوشه صنعت را بوسیدند و به کاری دیگر مشغول شدند.

نه سرمایه‌ای در کار است و نه اوضاع مناسبی برای ارتباط با دنیای خارج، حتی مقالات علمی بسیاری از مهندسان شرکت‌های نفتی ایرانی به دلیل تحریم‌های اوفک برگشت می‌خورد و چاپ نمی‌شود.

دراین‌میان می‌توان این پرسش را مطرح کرد که برنامه وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران برای استفاده از نمایشگاه‌های نفت کشورهای مسلمان هم‌جوار خود چیست (برای مثال همین نمایشگاه نفت ابوظبی که یکی از بزرگ‌ترین نمایشگاه‌های نفت جهان است).

آشنایی با این تکنولوژی‌های روز برای بسیاری از پژوهندگان و محققان و کارکنان دپارتمان‌های تحقیق و توسعه و فناوری در صنعت نفت از نان شب واجب‌تر است.

اما بارها و بارها تقاضای آنها برای حضور در نمایشگاه‌های ابوظبی، عمان یا همین کشورهای شرقی هم‌پیمان ما (یعنی چین و روسیه) رد می‌شود. آیا مدیران در نفت ضرورتی برای تماس مدیران رده‌میانی با علم روز نمی‌بینند؟

مشاهدات حاکی است که برخی از شرکت‌های داخلی در این نمایشگاه‌ها حضور می‌یابند، رایزنی می‌کنند و بعد با استفاده از رانت و بدون انتقال دانش فنی همان تکنولوژی تجهیزات را به چند برابر قیمت به صنعت نفت ایران منتقل می‌کنند. اینان نه شرکت‌های دانش‌بنیان و فنی، بلکه فقط دلالانی هستند که بلدند ایده خارجی را چند برابر گران‌تر به صنعت ما بفروشند.

در پایان بیان این نکته ضروری است که بدون سرمایه‌گذاری و دانش به‌روز صنعت نفت و گاز ایران با هزاران مشکل و عارضه بعید به نظر می‌رسد که بتواند فرازونشیب‌های آینده را به سلامت پشت سر بگذارد.

به خاطر بیاورید که کارشناسان چند سال پیش از شروع کمبود گاز درباره افت فشار گاز هشدار می‌دادند و کسی نشنید، امروز نیز این نوشتار را باید هشداری برای آینده و آواری در راه به حساب آورد.